

کارکرد تصویر هنری در قرآن

هاجر خاتون قدمی

عبد السلام احمد الراغب، کارکرد تصویر هنری در قرآن، ترجمه سیدحسین سیدی، تهران: انتشارات سخن، ۱۳۸۸.

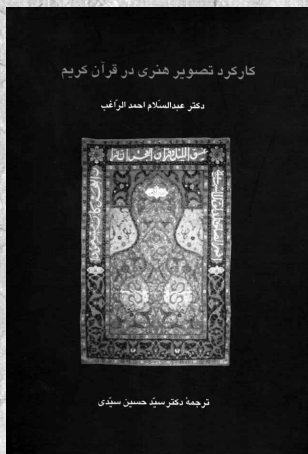
اشاره:

«تصویر هنری» مینا و قاعده بنیادین سبک قرآن و ابزار برگزیده در بیان معانی مجرد و ذهنی، حالت‌های درونی و موضع‌گیری‌های انسانی است. صاحب‌نظران در گذشته تا به حال در این باب سخن بسیار گفته‌اند، اما تا امروز پژوهش مستقلی به آن اختصاص نیافته است.

به باور عبد السلام احمد الراغب؛ نگارنده کتاب، با گسترش پژوهش‌های معاصر پیرامون «تصویر» ادیبان و ناقدان تلاش‌های خود را بر «تصویر شعری» متمرکز ساخته بودند و به بررسی تصویر قرآنی، به‌رغم شکوه ساخت هنری و موسیقی بی‌نظیر آن بر دل و جان عنایتی ننموده‌اند. لذا این پژوهش‌ها به سبب بی‌توجهی به پدیده تصویر در بیان قرآنی ناقص است.

عبد السلام احمد الراغب، در این کتاب سعی کرده تا به بررسی تصویر از حیث بافت و سیاق در ارائه معنای مطلوب دست یابد، تا بدین‌وسیله وحدت تصویر هنری در وحدت متن به تحقق برسد. به زعم عبد السلام احمد الراغب، نظام روابط در بررسی بافتی به‌طور روشن و آشکار خود را می‌نمایاند. مراد از این نظام، نظام روابط بیانی، تصویری، و فکری است، که این همان راز اعجاز در بیان و تصویر است؛ چنان‌که راز اعجاز در آفرینش آدمی و آفرینش و طراحی نظام هستی است.

نگارنده در این کتاب کوشیده تا این نظام را در تصویر هنری قرآن بیان کند. لذا وی کارکرد تصویر قرآنی را به نزدیک و دور تقسیم کرده و بر پیوستگی و قدرت پیوند آن‌ها تأکید نموده است. این کارکردها از هم جدا نیستند، بلکه به‌سان پیوند روح با جسم با هم پیوند دارند. لذا تفکیک میان آن‌ها در این پژوهش به‌خاطر آسان نمودن ارائه مباحث است. این پژوهش به بخش‌ها و فصل‌هایی تقسیم شده است. گزارشی از آن را در ذیل می‌خوانیم.



گزارشی از بخش‌ها و فصل‌های کتاب

این کتاب در سه بخش تنظیم شده است. مؤلف در بخش نخست، به تعریف تصویر و بررسی آرای علمای بلاغت و نقد کلاسیک و بررسی مؤلفه‌های تصویر هنری و انواع تصویر در قرآن پرداخته و در بخش دوم به کارکردهای نزدیک تصویر هنری در قرآن با تقسیم‌بندی در بخش‌های معانی ذهنی، حالات روانی، ضرب‌المثل‌ها، و تصویر شخصیت‌ها، عواطف و انفعال‌های درونی پرداخته شده و در بخش پایانی، نویسنده کارکردهای دور تصویر هنری قرآن از جمله کارکردهای هنری، روان‌شناختی، کارکرد خودگرا و کارکرد دینی را بررسی کرده است.

مؤلف در تمام این بخش‌ها کوشیده است به همراه ارائه دیدگاه‌های جدید با ذکر نمونه‌هایی از آن در قرآن کریم، نگاه تازه‌ای به عنصر و کارکرد تصویر هنری در قرآن داشته باشد.

۱. طبیعت و تصویر

این بخش به بررسی طبیعت تصویر اختصاص دارد که مقدمه ضروری برای تبیین مفهوم تصویر، مؤلفه‌ها و انواع آن به‌شمار می‌آید تا روش پژوهش مشخص گردد.

۱-۱. مفهوم تفسیر

عبدالسلام احمد الراغب، در ابتدای این فصل به این نکته اشاره می‌کند که مسئله تصویر از مسائل اساسی نقد مدرن است؛ چون ارتباط مستقیمی با دو جنبه فلسفی و ادبی معرفت بشری دارد. وی از ناقدان معاصر این انتظار را دارد که بررسی تصویر قرآنی اهتمام ورزند، چون نمونه بایسته‌ای است که در تناسب و هماهنگی بیان با تصویر، تصویر با معنا یا ساخت با محتوا می‌تواند قابل الگوگیری باشد، چنان‌که می‌تواند برای تنوع تصویرها و تعامل آن با بافت، نیز الگو باشد. وی بر ناقدان معاصر از این نظر خرده می‌گیرد که آنان، هم در حوزه نظریه‌پردازی و هم در عرصه کاربرد در پژوهش‌های نقدی و ادبی خود، نسبت به تصویر قرآنی بی‌توجهی کرده و به مسئله تصویر تنها بر تصویر شعری محدود بوده‌اند. به باور عبدالسلام احمد الراغب، تصویر قرآنی تنها از خلال پژوهش‌های بلاغی سنتی قابل فهم نیست، بلکه باید مفهوم تصویر قرآنی را گسترش دهند تا دربرگیرنده اندیشه اسلامی باشد که آن را به منصفه ظهور می‌رساند.

عبدالسلام احمد الراغب، در این فصل به بررسی مفهوم تصویر از دیدگاه گذشتگان و عوامل مؤثر در تعریف آن می‌پردازد. و به این نتیجه می‌رسد که علمای بلاغت و ناقدان، متأثر از مفسران و زبان‌شناسان و فلاسفه بوده‌اند^۱ و بر «ساخت» تأکید داشته‌اند و برای آن قواعدی وضع نموده‌اند، بی‌آن‌که به بررسی بافت در متن فراتر نرفته‌اند. در نتیجه آرای آن‌ها جزئی ماند و از این چارچوب جزئی به استخراج ویژگی‌های هنری عام تصویر و کارکردهای کلی آن در انتقال اندیشه و نگرش فراتر نرفت.

عبدالسلام احمد الراغب پس از طرح این مباحث، در بخشی دیگر به ناقدان معاصر می‌پردازد. وی در این‌جا خاستگاه برخی از معاصران را درباره تصویر، میراث نقد عربی می‌داند که در پی اثبات آنند که میراث نقدی ما تصویر را از تمام جنبه‌های آن مورد بررسی قرار داده است.^۲ برخی نیز در بررسی پژوهش‌های خود بر مفاهیم بیگانه تکیه نموده و به تطبیق نظریه‌های نقد اروپایی بر میراث شعری روی آورده‌اند.^۳

عبدالسلام احمد الراغب، در این بخش به این نکته اشاره می‌کند که برخی از ناقدان معاصر از به‌کارگیری اصطلاح تصویر ابا کرده و اصطلاح استعاره را به عنوان جانشین آن ترجیح داده‌اند. وی در ادامه به تعاریف تصویر در پرتو روان‌شناسی و زیبایی‌شناسی می‌پردازد و به تحلیل و بررسی این نظریات می‌پردازد.^۴

۱-۲. مؤلفه‌های تصویر هنری در قرآن

مهم‌ترین مؤلفه تصویر قرآنی، اندیشه دینی است که عامل بنیادین آن و محور ثابتی است که دیگر مؤلفه‌ها پیرامون آن و در چارچوب آن دور می‌زنند. تا جایی که این اندیشه مهم‌ترین وجه تمایز تصویر قرآنی از دیگر گونه‌های تصویر ادبی است.^۵ وی می‌گوید، تصویر قرآنی بر جنبه‌های مفید معرفت بشری تأکید می‌کند و به معرفتی که برای آدمی در زندگی‌اش سودمند نیست اهمیت نمی‌دهد.

قرآن تصویر هنری را به منزله ابزاری برای بیان اهداف دینی یا اندیشه‌های اسلامی برمی‌گیرد.^۶ اولین مؤلفه تصویر قرآنی، فکر و اندیشه است که تأثیرش را بر مخاطب تقویت می‌بخشد. دومین مؤلفه تصویر قرآن، واقعیت است. ویژگی تصویر قرآنی، صدق واقعیت است، چون خداوند از واقعیتی که خود آرا آفریده و از آن آگاه است، خبر می‌دهد.^۷ مؤلفه سوم، عنصر خیال است که در یک نظم هنری،

پدیده‌های دور از هم را گرد هم می‌آورد و آن‌ها را به هم نزدیک و تصویری که انسجام میان پدیده‌های دور از هم و سازگاری میان اشیای پراکنده را جایگزین می‌گردد، ذوب می‌کند.^۸ مؤلفه هفتم، ریتم است که با دیگر مؤلفه‌ها در ارتباط است. ریتم در تصویر قرآنی مؤلفه روشن آن است که گاه در آن شدید است و گاه نرم و آرام و گاه کند است که این با توجه به معنا یا بافت کلی است.^۹

۱-۳. انواع تصویر در قرآن

عبدالسلام احمد الراغب در این فصل، تصویر قرآنی را در دو نوع اساسی معرفی می‌کند: ۱. تصویر مفرد با تصویر بلاغی؛ ۲. تصویر بافت.

مقصود از تصویر مفرد، همان تصویر بلاغی معروف است که از تشبیه، استعاره، کنایه و مجاز تشکیل شده است. عمده پژوهش‌های بلاغی سنتی به بررسی تصویر مفرد می‌پردازند که بریده از بافت است. نگارنده در این بخش، نمونه‌هایی از نوع تصویر یا نقل قول از ناقدان و علمای بلاغت می‌آورد.^{۱۰}

مقصود از تصویر بافتی، تصویری است که بافت از مجموعه تصویرهایی جزئی در ضمن نظام رابطه میان تصویرهای قرآنی ایجاد می‌کند. تصویر بافتی متنوع است. از تصویر صحنه، تابلو، تصویر کلی و سپس تصویر مرکزی آغاز می‌شود.^{۱۱}

نگارنده در این مبحث نمونه‌های متنوعی از آیات قرآن برای مثال و تبیین بحث می‌آورد.^{۱۲}

۲. کارکرد نزدیک تصویر هنری در قرآن

عبدالسلام احمد الراغب در این بخش، پس از یک مقدمه و درآمد وارد فصل‌های این بخش می‌شود. وی در مقدمه می‌گوید، در قرآن غرض دینی با غرض هنری متحد می‌گردد تا اعجاز در تصویر هنری، به‌سان اعجاز در آفرینش و اعجاز در تشریح گردد. مراد نگارنده از کارکرد دینی، همان معنای گسترده و فراگیر است، نه معنای محدود آن. تصویر قرآنی، حامل نگرش اسلامی به جهان، زندگی و آدمی است و آن را در تصویرها و صحنه‌ها مجسم می‌سازد که برای تحقق غرض دینی با بافت باهم در تعامل و نظام‌مند است. عبدالسلام احمد الراغب، کارکرد و تصویر هنری را به دو قسم کارکردهای نزدیک و کارکردهای دور تقسیم می‌کند.

مقصود از کارکردهای نزدیک، تصویرگری معانی ذهنی، روانی،

ضرب المثل‌ها، طبیعت، حوادث واقعی و داستان‌های گذشتگان و نمونه‌های انسانی و صحنه‌های قیامت است. کارکردهای دور، همان کارکرد هنری، دینی، روانی و عقلانی است.^{۱۳}

۲-۱. معانی ذهنی و حالات روانی

به باور عبد السلام احمد الراغب، تصویر قرآنی، در پی بیان صرف و توضیح معانی دینی نیست، بلکه در پی تجسم بخشیدن آن است.^{۱۴} به همین جهت ملاحظه می‌کنیم که وقتی معانی ذهنی به صورت تصویر مورد بررسی قرار می‌گیرند، آن‌ها به بافت آن مرتبط می‌سازند و لذا تصویرها، به تنوع بافت‌های بیانی آن متنوع می‌گردند و این تصویرها از خلال روابط توبرتوی بافت، اشارات خود را کسب می‌کنند.

معانی ذهنی مرتبط با پدیده‌های کیهانی به تصویرهای مختلفی که بافت اقتضا می‌کند، به تصویر کشیده می‌شود. مثل موج در آیه «و هی تجری بهم فی موج کالجبال: آن کشتی ایشان را در میان موجی کوه‌آسا می‌برد». هود/۴۲

ضخامت و ارتفاع موج، تصویرگر کوه است و تصویر کوه هم امر عادی و قابل مشاهده‌است که اشاره به ضخامت و ارتفاع موج دارد. بافت آن هم اقتضای این تصویر را می‌نماید. نگارنده در این قسمت، به تبیین بافت این آیه می‌پردازد، سپس مثال‌های دیگری را می‌آورد.^{۱۵}

۲-۲. ضرب‌المثل‌های قرآنی

ضرب‌المثل‌های قرآنی، مجموعه‌ای تصویری را تشکیل می‌دهند، با ویژگی خاص خود و شیوه خاص در بیان معانی دینی، به‌گونه‌ای که تحول سبکی در آن اعلان تغییر کارکرد تصویر و شکستن بافت معمول در بیان و تصویرگری برای آگاه نمودن مخاطب به انتقال به تصویرهای جدید و بزرگ‌تر از تصویرهایی است که بیان‌گر معانی ذهنی و روانی باشد.^{۱۶}

عبدالسلام احمد الراغب، در این فصل به گردآوری ضرب‌المثل‌های قرآنی در مجموعه‌هایی پرداخته و به تبیین روابط و نظم و هماهنگی در هر مجموعه، به‌طور مستقل و سپس پیوستگی مجموعه ضرب‌المثل‌ها با مجموعه‌های دیگر در تعامل بافتی برای تبیین اندیشه یا نگرش دینی پرداخته است.

۳-۲. صحنه‌های طبیعی

تصویر طبیعت در تصویر هنری قرآن، جایگاه مهمی را به خود اختصاص داده است، چون این تصویر در بیان قرآن، به جهان محسوسات یا جهان شهادت که حوزه معرفت بشری است، مرتبط می‌باشد. زیرا حواس به برخورد تصویرهای پراکنده از صحنه‌های طبیعت می‌پردازد و آن‌ها را نزد عقل بشری، که به تفسیر و نظام‌مند نمودن و صدور حکم بر آن می‌پردازد، قرار می‌دهد.

به همین جهت قرآن کریم تصویر صحنه‌های طبیعت را جدی می‌گیرد و آن‌را، هم به عنوان ابزار معرفت دینی و هم تأثیر بر روان آدمی که طبعاً از این صحنه‌های محسوس به جوشش در می‌آید و با آن به تعامل می‌پردازد، برگرفته تا حس زیباشناختی فطری آدمی را سیراب کند.^{۱۷}

طبیعت در قرآن، دو تصویر در ذهن به جای می‌گزارد؛ تصویری از دنیا، که تصویری زیبا و با شکوه و منسجم است و تصویری از آخرت، آن‌گاه که طبیعت شاهد از هم‌گسیختگی وحشت‌بار و متناسب با ترس و بیم روز قیامت و رخدادهای آن است.

به باور نگارنده، قصد خداوند از تصویر طبیعت، توجه دادن آدمی به آفرینش بدیع و قدرت آفریننده و بیداری حواس و احساس و خرد برای درک حکمت و هدف ماورای طبیعت است.^{۱۸} نگارنده در این بخش، برای تبیین اندیشه دینی به تعامل بین صحنه‌های طبیعی می‌پردازد.

۴-۲. رخدادهای واقعی

یکی دیگر از کارکردهای تصویر در آیات قرآن این است که از صحنه‌های قابل مشاهده به رخدادهای زمان نزول قرآن منتقل می‌شود و به نقل حادثه و تصویرگری آن و برانگیختن احساسات می‌پردازد، تا حادثه با تمام احساسات و عواطف و رویکردهای دینی زنده بماند. اما به تصویر، در بیان تاریخی و جزئیات آن نمی‌پردازد، بلکه آن را از خلال تأکید بر یک نقطه در آن برای نشان دادن آن و روشن‌گری نسبت به آن برای استخراج ارزش‌های ثابت دینی از خلال آن و اظهار قدرت خداوند و حضور آن در روان‌سازی رخدادها، طبق اراده الهی با بی‌توجهی به زمان و مکان و نام افراد به تصویر می‌کشد.^{۱۹}

۵-۲. داستان‌های گذشتگان

نگارنده در این فصل به بیان تصویر روایی پرداخته و نظام روابط را در پراکندگی حلقه‌های داستان در سوره‌های مختلف برای تحقق اهداف دینی نشان داده است. یعنی داستان در قرآن به حلقه‌های کامل آن در یک سوره - جز داستان حضرت یوسف (ع) - نمی‌پردازد، بلکه بنا به سوره‌های قرآن و به حسب بافت‌هایی که اقتضا می‌کند در درون نظام روابط در سبک قرآنی پراکنده شده است. اما این حلقه‌ها اگر از بافت‌های آن گرد هم آیند، یک داستان کامل با حلقه‌های داستانی و تکامل رخدادها و شخصیت‌ها شکل می‌گیرد.

عبد السلام احمد الراغب، در این فصل به تأثیر هدف دینی در قصه‌های قرآن می‌پردازد. وی این تصویرها را با سه عنوان می‌آورد: ۱. تصویر رخدادها؛^{۲۰} ۲. تصویر شخصیت‌ها؛^{۲۱} ۳. تصویر عواطف و افعالات.^{۲۲} سپس به تبیین هر یک بنا بر شاهد مثال قرآنی می‌پردازد.

۶-۲. الگوهای انسانی

نگارنده در این فصل، قبل از پرداختن به تصویر الگوهای انسانی در قرآن کریم، ابتدا مدلول کلمه الگوها را از جنبه لغوی و ادبی مشخص می‌کند. سپس می‌گوید که الگوهای انسانی در قرآن کریم، فراتر از الگوهای ادبی‌اند، هرچند که به الگوهای تدبیری توان تصویر هنری داده شود. چون خداوند به آدمی از خود او آگاه‌تر است و وقتی در کتابش الگوی انسانی را معرفی می‌کند، تصویرگری وی ژرفای روان آدمی را کشف و اسرار آن را روشن می‌نماید.^{۲۳}

عبد السلام احمد الراغب، از ویژگی‌های این الگوی قرآنی، به جهان‌شمولی بودن و عدم مقید بودن به زمان و مکان و نیز نگرش واقع‌گرایانه آن به آدمی اشاره می‌کند. در ادامه به الگوی انسانی در قرآن پرداخته و برای تبیین آن از آیات قرآن کمک می‌گیرد.^{۲۴}

۷-۲. صحنه‌های قیامت

نگارنده در این فصل به تصویر صحنه‌های قیامت پرداخته است و آن‌ها را در ضمن نظام روابط میان تصویرها و ترتیب این صحنه‌ها به حسب رخدادهای هولناک روز قیامت ارائه می‌کند. به باور نگارنده، این صحنه‌ها در بیان و تصویر به هم مرتبط و هماهنگ هستند تا غرض دینی و تأثیر آن بر جان‌ها محقق گردد و ایمان به قیامت در جان و خرد تعمیق یابد.^{۲۵}

۳. کارکردهای دور تصویر هنری در قرآن

این کارکردها با کارکردهای نزدیک مرتبط و در ضمن با نظام روابط میان کارکردهای تصویر هنری در قرآن برای تبیین حقایق دینی یا نگرش اسلامی به هستی، زندگی و آدمی به هم پیوسته‌اند.

۳-۱. کارکرد هنری

کارکرد هنری، یکی از اهداف تصویر هنری در قرآن کریم است؛ چون مسئله اعجاز در قرآن به قصد تحقق هدف دینی، یعنی اثبات این نکته است که از جانب خداوند می‌باشد. لذا قرآن، عرب‌ها را به آوردن مثل آن به مبارزه طلبیده است و آن‌ها هم اظهار ناتوانی کرده و اعجاز سبکی و بیانی آن ثابت گردیده است. به همین دلیل است که هدف هنری با هدف دینی به هم پیوست تا اعجاز قرآن کریم تحقق یابد. این فصل، بر نظام روابط در تشکیل حروف، واژگان، جملات، بافت کلی، ریتم موسیقایی و وحدت هنری تصویر تکیه دارد.^{۲۶}

۳-۲. کارکرد روانی

عبد السلام احمد الراغب، در این فصل به تبیین این نکته می‌پردازد که تصویر قرآنی، تنها به تحریک احساسات انسانی، آن هم به شکل پراکنده، بسنده نمی‌کند، بلکه احساسات را درون یک نظام ویژه برای تعادل بین احساسات متفاوت و مقابل هم در جهت بنای روان انسانی بر مبنای تعادل بین احساسات متناقض بر می‌انگیزد.^{۲۷}

۳-۳. کارکرد عقلانی

تصویر در قرآن، وجود بشری را با احساس و عقل و نفس مورد خطاب قرار می‌دهد و نیازهای این وجود را با غذای مناسب آن با هماهنگی و نظم پاسخ می‌دهد تا بخشی بر بخشی غلبه نکند. عبد السلام احمد الراغب، در این فصل به تبیین روش تصویر در بیدار نمودن عقل می‌پردازد تا حقایق دینی را بپذیرد؛ چنان که کارکرد عقلانی در پی هدف مهم‌تری است که آن شکل‌گیری عقل بر مبنای جدید مثل تأمل و مشاهده در هستی محسوس برای استنباط حقایق یا قوانین پراکنده در آن است.^{۲۸}

۳-۴. کارکرد دینی

این کارکرد، همان محور ثابتی است که دیگر کارکردهای

تصویر - نزدیک و دور - پیرامون آن می‌چرخد، چون طبیعت تصویر هنری در قرآن دارای نگرش دینی است، نه تصویر صوری و نژئینی و به دور از غرض. این تصویر، آدمی را با حقایق دین مخاطب قرار می‌دهد و می‌کوشد او را قانع و بر آن تأثیرگذار باشد.^{۲۹}

نتیجه و خاتمه

عبد السلام احمد الراغب، در خاتمه، هدف خود را در این کتاب، تبیین این نکته می‌داند که تصویر در قرآن، تصویری هدف‌مند و حاصل نگرش اسلامی به زندگی، هستی و انسان است. تصویر هنری در قرآن به ساختن انسان، از حیث فکری، عقلی، احساسی و رفتار است. لذا تنوع در کارکردهای آن برای تحقق این غرض دینی از تصویر است.

پی‌نوشت‌ها:

۱. عبد السلام احمد الراغب، کارکرد تصویر هنری در قرآن، ترجمه سیدحسین سیدی، تهران: انتشارات سخن، ۱۳۸۸، ص ۲۳
۲. همو، ص ۳۹
۳. همو، همان‌جا
۴. نک: همو صص ۴۰-۵۰
۵. همو، ص ۵۱
۶. همو، ص ۵۴
۷. همو، ص ۵۵
۸. همو، ص ۵۸
۹. همو، ص ۶۴
۱۰. نک: همو، صص ۷۰-۹۵
۱۱. همو، ص ۹۶
۱۲. نک: همو، صص ۹۷-۱۱۲
۱۳. همو، ص ۱۱۶
۱۴. همو، ص ۱۲۰
۱۵. نک: همو، صص ۱۲۱-۱۹۵
۱۶. همو، ص ۱۹۶
۱۷. همو، ص ۲۵۴
۱۸. همو، ص ۲۵۷
۱۹. نک: ص ۳۰۲
۲۰. نک: همو، ص ۳۲۹
۲۱. همو، ص ۳۷۲
۲۲. همو، ص ۳۷۹
۲۳. همو، ص ۳۸۴
۲۴. نک: همو، صص ۳۸۷-۴۱۲
۲۵. همو، ص ۴۱۸
۲۶. نک: همو، صص ۴۸۹-۵۳۶
۲۷. نک: همو، صص ۵۳۷-۵۶۱
۲۸. نک: همو، صص ۵۶۲-۵۸۶
۲۹. نک: همو، صص ۵۸۷-۶۰۵

